

متن پرسش

سلام علیکم ۱- آیا عقل انسان یکی از جلوات قلب اوست و آیا بحث از عقل غربی یا عقل دینی یا عقل قدسی به همین مسئله بر می گردد یعنی با توجه به این که انسان دل در گرو چه چیزی دارد نحوه تعقلش و میزان درکش تغییر می کند ۲- مگر تقوا نور نمی آورد پس چرا در قرون اخیر زهاد عالمی را می بینیم که در بعضی ابعاد کاملا خالی هستند صرفا برای وضوح مطلب این را عرض می کنم یکی از زهاد و مجتهدین که از مشاهیر اصفهان است حاج اقا رحیم ارباب است که تقوای ایشان معروف هم هست یکی از دوستان می گفت که ایشان در زمان حکومت شاهنشاهی در نامه ای به شاه او را با چندین لقب مورد خطاب قرار می دهد به طوری که خاطر او مکدر نشود مثال هایی از این دست کم نداریم آیا مشکل عمیق نبودن اعتقادات این بزرگان است یا در عملشان یا در تقوایشان یا ...

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام ۱- حرف خوب و دقیقی است و لذا امیرالمؤمنین «علیه السلام» می فرمایند: چه بسیار عقلی که اسیر هوسی است که بر او حاکم است ۲- تقوا به معنی کنترل امیال در راستای رسیدن به اهداف بلند توحیدی است و در همین راستا علمایی مثل حاج آقا رحیم ارباب که در آن زمان متوجه بودند شرایط تاریخی ما شرایطی نیست که بتوان به جای نظام شاهنشاهی به دموکراسی غربی رو آورد، سعی می کردند شاه را در مسیر اصلاح امور مردم تشویق کنند که به نفع جامعه‌ی مسلمین کار کند و در همین راستا القابی را به شاه می دادند. از شرایط تاریخی علماء نباید غفلت کنیم. موفق باشید